



Explaining the Social Factors of the Transformation of the Islamic City in the Contemporary Period with Emphasis on the City of Tehran

Hassan Bakhshizadeh¹ 

1. Department of History and Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran. E-mail: h.bakhshizadeh@uma.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 28 November 2024
Received in revised form: 10 April 2025
Accepted: 7 June 2025
Published online: 06 July 2025

Keywords:

First Pahlavi Period (1925-1942), Islamic City, Qajar Period, Social Changes, Tehran City.

ABSTRACT

The aim of the present study is to explain the social factors of the evolution and development of Tehran, with an emphasis on the components of the Islamic city in the Qajar and Pahlavi periods (1925-1942).

The qualitative research method, historical analysis and interpretative hermeneutic analysis have been employed in parallel in this research.

The findings indicate that the most important and fundamental social changes in Tehran were experienced in the Qajar period, a period when the city's population tripled and social evolutions (such as changes in residents' lifestyle and the influx of Western elements and symbols) led to architectural changes and the formation of a style called Tehran style in the eyes and minds of the people. On the other hand, following the modernist policies of the years 1925-1942, one can witness an unprecedented increase in the entry of Western culture in Tehran. In fact, the most important social alterations and the confrontation with the most unknown urban issues among the people are manifested in Tehran as an Islamic city during this period.

According to the results, the creation and evolution of social factors in Tehran, with the influence of political agencies and factors (internal and external) and the one-sided interaction of individuals in the city with these structures, has advanced on the most important criteria and components of the Islamic city, such as order (disrupting the traditional social order and presenting a new unconscious order), Islamic body (adapting Western criteria and ignoring Islamic and indigenous criteria), and the existence of monotheistic identity (challenging traditional-religious identity with modern and plural identity), and has confronted the urban community with numerous micro- and macro-challenges.

Cite this article: Bakhshizadeh, H. (2025). Explaining the Social Factors of the Transformation of the Islamic City in the Contemporary Period; with Emphasis on the City of Tehran. *Community Development (Rural-Urban)*, 17 (1):99-121. <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.396327.668926>



Authors retain the copyright and full publishing rights. Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.396327.668926>

تبیین عوامل اجتماعی دگردیسی شهر اسلامی در دوره معاصر با تأکید بر شهر تهران

حسن بخشی زاده

۱. گروه تاریخ و جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. رایانامه: h.bakhshizadeh@uma.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۹/۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۲/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۳/۱۰ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۴/۱۵ کلیدواژه‌ها: تغییرات اجتماعی، دوره قاجار و دوره پهلوی اول (۱۳۰۴-۱۳۲۱)، شهر اسلامی، شهر تهران.	هدف پژوهش حاضر، تبیین عوامل اجتماعی تطور و توسعه شهر تهران با تأکید بر مؤلفه‌های شهر اسلامی در دوره‌های قاجار و پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۲۱) است. در این مقاله از تحلیل تاریخی و تحلیل هرمنوتیک تفسیری به موازات یکدیگر بهره گرفته شده است. مهم‌ترین و بنیادی‌ترین تغییرات اجتماعی تهران در دوره قاجار تجربه شد؛ دورانی که جمعیت شهر به سه برابر می‌رسد و تغییرات اجتماعی (نظیر تغییر الگوی زندگی ساکنان و هجوم عناصر و نمادهای غربی) به تغییرات معماری و شکل‌گیری سبکی به نام سبک تهران در عین و ذهن افراد جامعه منجر می‌شود. از سوی دیگر، در پی سیاست‌های تجددگرایی سال‌های ۱۳۰۴-۱۳۲۱، شاهد شدت گرفتن ورود فرهنگ غربی به شکل بی‌سابقه‌ای در تهران هستیم. درواقع، مهم‌ترین تغییرات اجتماعی و رویارویی با ناشناخته‌ترین مسائل شهری در بین مردم، در این دوره در شهر تهران به‌عنوان یک شهر اسلامی (و یک واقعیت اجتماعی) بروز و نمود پیدا کرد. طبق نتایج تحقیق، ایجاد و تحول عوامل اجتماعی شهر تهران، با تأثیرگذاری عاملیت‌ها و عوامل سیاسی (داخلی و خارجی) و تعامل یک‌طرفه افراد در شهر با این ساختارها، با مهم‌ترین معیارها و مؤلفه‌های شهر اسلامی نظیر نظم (برهم ریختن نظم اجتماعی سنتی و ارائه نظم جدید و ناآگاه)، کالبد اسلامی (اقتباس از معیارهای غربی و نادیده گرفتن معیارهای اسلامی و بومی) و وجود هویت توحیدی (چالش هویت سنتی-مذهبی با هویت مدرن و متکثر) پیش رفته و اجتماع شهری را با چالش‌های متعدد خرد و کلان مواجه کرده است.

استناد: بخشی‌زاده، حسن (۱۴۰۴). تبیین عوامل اجتماعی دگردیسی شهر اسلامی در دوره معاصر؛ با تأکید بر شهر تهران. توسعه محلی (روستایی-شهری). ۱۷ (۱): ۹۹-۱۲۱. <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.396327.668926>



نویسندگان حق نشر و حقوق کامل انتشار را حفظ می‌کنند.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.396327.668926>

۱. مقدمه و طرح مسئله

فضاهای شهری سبب تکوین و تغییر زندگی و شرایط اجتماعی افراد می‌شوند. بررسی و تبیین دوره‌های تاریخی می‌تواند به درک ما از نگرش بشر به زندگی در دوره‌های مختلف در شهر تهران کمک کند. شهر در کلیت خود، از پیشینه‌ای تاریخی برخوردار است. در شهر ایرانی، پیوند محکمی بین نمادهای ملی و اسطوره‌های باستانی وجود دارد. تحقیق درباره شهر، بخشی از جهان یا واقعیت شهر ایرانی را به ما نشان می‌دهد (عنبری، ۱۳۹۵).

دگرگونی‌های اجتماعی-اقتصادی، عقیدتی، فرهنگی و سیاسی در بستر تاریخ کشور ما شکل جدیدی از اوضاع اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی را به وجود آورده است. شهر به عنوان تبلور کالبدی-فضایی روابط اجتماعی-اقتصادی موجود نیز شکل جدیدی را ارائه می‌کند؛ شکلی که نشانگر تحول است و در بسیاری از موارد در تقابل با مفاهیم گذشته، ارزش‌ها و هویت‌های شهری دیگری را در معنایی فضایی-کالبدی برای شهر و شهروند به ارمغان آورده است. درواقع شهر به مکان ارزش‌ها و بی‌ارزش‌ها بدل شده است (حبیبی، ۱۳۷۸). از طرفی، شهر در ایران با مسائل مذهبی در تعامل بوده و نظامی پویا از تفکرات، ریشه‌ها و روابط واقعی را شکل داده است. به بیان احمد اشرف، شهر چه در دوران باستان و چه در دوره اسلامی، پایگاه قدرت و جایگاه دستگاه اداری نظام شهرداری (پاتریمونیا^۱) بوده است. شهرستان یا شهر در کاربرد امروزی، جایگاه پادشاهی و مرکز قدرت سیاسی و حکومت بوده است (اشرف، ۱۳۵۳). شهر ایرانی، مانند هر شهر دیگری، از دل تاریخ سرزمینی خود بیرون آمده و افسانه‌ها و قصه‌های خود را دارد (پیران، ۱۳۸۴). باور (۱۳۸۹) معتقد است عواملی که سبب تغییرات اجتماعی شده‌اند، همان عواملی هستند که تغییرات معماری را سبب شده‌اند. او سیر تحول معماری معاصر را بر این مبنا تحلیل می‌کند.

یکی از نیروهای دگرگون‌ساز و دگرگون‌شونده در ایران معاصر، شهر و شهرنشینی مدرن است. شهر در ایران معاصر، نوعی «ماشین محرک» و مولد فضاهای شهری تأثیرگذاری است؛ به‌طوری‌که کلیت هستی فردی و اجتماعی ما را دگرگون کرده است (فاضلی، ۱۳۹۶: ۱۰). در ضرورت بررسی شهر تهران، باید گفت این شهر مانند بندری پیشرو است که شاهد برخورد میان دو سیستم اقتصادی قدیم و جدید، اقتصاد پیشه‌وری و اقتصاد صنعتی، برخورد رسوم ایرانی با تمدن غربی بوده است. تهران پیش از همه جای ایران با خارج مرتبط است و این تصادم میان اشکال مختلف اداره و طرز سامان‌دادن، تصادم میان افکار قدیم و افکار جدید، هجوم جمعیت زیاد به تهران، افزایش شدید جمعیت تهران، میزان تمرکزی که در تهران هست و... مسائل بسیار مهمی را مطرح کرده است (موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۴۱: ۱۱). از این‌رو، اگر قرار باشد عوامل اجتماعی دگردیسی شهر تهران را تبیین کنیم، چاره‌ای جز پژوهش برای مطالعه محورهای تغییرات شهر نیست. این محورها هستند که نهادها و نهادهای شهری را در هر روزگاری تعریف می‌کنند. شهر تهران و بازتولید آن صرفاً بر روال غربی و اروپایی آن شکل نیافته، بلکه با تعامل و ارتباط تنگاتنگ و گاهی یک‌طرفه پیش رفته است.

«شهر اسلامی» انگاره‌ای است که سؤالات بسیاری در باب چیستی، ماهیت و ویژگی‌های آن مطرح است و نظام‌های علمی گوناگون، از زوایای مختلف به آن پرداخته و تلاش در تبیین و تشریح آن داشته‌اند. شهر اسلامی، انگاره‌ای است مبهم، فاقد تعریفی کاربردی و شفاف که توصیفی فراگیر از ابعاد آن وجود ندارد. به‌طور کلی چارچوب نظری جامعی که ماهیت و پیچیدگی شهر اسلامی را به‌طور جامع نشان دهد، ارائه نشده است (بابائی سالانقوج و همکاران، ۱۳۹۳). شهر اسلامی عبارت است از نمایش فضایی شکل و

ساختمان اجتماعی که فرم‌های ارتباطی و عناصر تزینی براساس ایدئال‌های اسلامی، در آن وارد شده است (بمات، ۱۳۹۳). از این‌رو از همان ابتدا، اسلام با شهر عجین بوده است.

یافته‌های مطالعات محققان درمورد شهر اسلامی-ایرانی نشان می‌دهد واقعیت شهر اسلامی با تحولات شهرهای دیگر دنیا همسویی آشکار نداشته است. آبخور فکری و معماری شهر غربی براساس پارادایم اثباتی و پیش‌فرض‌های عقل‌گرایانه و عمل‌گرایانه آن است، اما در شهر اسلامی این نوع عمل‌گرایی با تعالیم مذهبی و اعتقادی پیوند محکمی برقرار می‌کند (عنبری، ۱۳۹۵).

شهر تهران در ابتدای حاکمیت قاجارها با مشکلات زیادی نظیر ضعف بنیة اقتصادی، اقتصاد دولتی، ضعف علمی و ارتباطاتی با جهان خارج، نبود بنیان‌های اقتصادی مستقل از حکومت، فساد اداری و بی‌لیاقتی مسئولان اجرایی و ... رودررو بود و همگی مانع از آن می‌شدند که شهر بتواند از مواهب اقتصاد آزاد بهره‌ای ببرد (زیباکلام، ۱۴۰۳: ۲۲۳). این تحول به‌نوبه خود بسیاری از مناسبات و بنیان‌های کهن شهر را به هم ریخت و درنهایت نارضایتی مردم را از حکومت عمیق‌تر کرد. نتایج این تغییرات، وقوع جنبش تنباکو و انقلاب مشروطیت است که تأثیرات بسزایی بر تحول و تغییر شهر تهران در دوره قاجار گذاشتند.

درواقع تهران، در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم از همه نظر کاملاً یک جامعه سنتی و عقب‌مانده بود. با شکل‌گیری و رشد شهر تهران و شکل‌گیری طبقات جدید، مجموعه‌ای از درخواست‌های جدید در مقابل دولت‌ها قرار گرفت که سبب شکل‌گیری بخش‌ها و واحدهای سیاسی-اجتماعی‌ای شد که به‌دنبال پاسخگویی و مطالبه از حاکمیت شهری بودند. تهران در سال‌های آخر سلسله قاجار، صحنه جنگ جهانی اول، جنبش‌های محلی، قحطی و ناامنی شد که این شرایط مانع رشد شهرنشینی و توسعه شهرسازی شد. از سال ۱۳۰۰ با کودتای رضاخان، به‌علت تثبیت دولت و امنیت عمومی، دوره جدیدی در تهران، پایتخت کشور آغاز شد. در این دوره، به سبب نظام سرمایه‌داری جهانی، تغییر رژیم سیاسی و تحولات سریع فنی، چهره زندگی اجتماعی و اقتصادی و سیمای کالبدی تهران دگرگون شد و از یک شهر سنتی محصور در حصار و خندق به شهری جدید با ساختار نوین تبدیل شد. درواقع، تهران به محل تحقق نظام سرمایه‌داری مبدل شد.

همگام با دگرگونی‌های جهانی سال‌های آخر قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم، وظیفه دولت جدید، نوسازی کشور به هر قیمتی بود؛ نوگرایی‌ای که بدون شک، به معنای دگرگونی واقعی شرایط زندگی و روابط اجتماعی-اقتصادی حاکم نبود، بلکه بیشتر تغییر فضایی ترکیب شهری را پی می‌گرفت (حبیبی، ۱۳۶۸). نوسازی در دوره رضاشاه، محدود به یک وجه از زندگی اجتماعی نبود، بلکه به الگوی مسلطی مبدل شده بود که آثار آن در تمامی وجوه جامعه در شهر تهران و زندگی شهری جلوه‌گر بود؛ به‌ویژه اینکه شهر به‌مثابه آیین‌های اقدامات نوسازانه، چهره بیرونی تفکرات دولت را نمایان می‌کرد (صفری و همکاران، ۱۳۹۳). همان‌طور که اشاره شد، تهران سیر تحول متفاوتی با نظریات شکل‌گیری و تحول شهر در جامعه‌شناسی داشت. تهران، مکانی که سابقه شهری نداشت، در رقابت با شهرهای اسلامی-ایرانی معروف (نظیر تبریز، اصفهان، مشهد و...) به پایتختی ایران انتخاب شد. تهران در پایان دوره پهلوی اول، تحت تأثیر عوامل اجتماعی و به‌ویژه سیاسی به روند تحول خود ادامه داد و به جایگاه قابل‌توجهی در بین شهرهای ایران رسید. هدف اصلی این تحقیق، تبیین جامعه‌شناسانه سیر تغییر و توسعه شهر تهران در دوره قاجار و پهلوی اول با تأکید بر مؤلفه‌های اساسی شهر اسلامی (نظم، کالبد اسلامی و هویت توحیدی) است. با توجه به این هدف اصلی، سؤالات فرعی زیر مطرح شده است: سیر تحول و تغییر عوامل اجتماعی شهر تهران چگونه بوده است؟ دگردیسی مؤلفه‌های شهر اسلامی در شهر تهران چگونه بوده است؟

۲. چارچوب و پیشینه پژوهش

شهر اسلامی، برای نخستین بار در دهه‌های آغازین قرن بیستم به صورت علمی مورد مطالعه قرار گرفت و شرق‌شناسان فرانسوی، اصطلاح «شهر اسلامی» را به کار گرفتند. از آن زمان متون زیادی به نظریه پردازی در زمینه شکل این شهرها پرداختند که بیشتر آن‌ها به نوعی متأثر از نظریه‌های پیشین بودند. این نظریه‌ها بدنه اصلی مطالعات شهرهای اسلامی را در متون غربی و بین‌المللی تشکیل می‌دهند. قدیمی‌ترین متن مورد ارجاع در این زمینه، مفاهیمی است که توسط مارشه، درباره شکل و ساختار شهر اسلامی ارائه شده است (ابولوقد، ۱۹۸۷).

براساس نتایج تحقیق کلانتری و بخشی‌زاده (۱۳۹۹) و همچنین عنبری (۱۳۹۵)، هشت مضمون عمده و چهار مضمون محوری در تبیین شهر اسلامی به دست آمده که به دو مقوله هسته‌ای با عنوان «پیوند اسلام با شهر» و «تبیین محور بودن شهر اسلامی تا تعریف و نظریه محور بودن آن» رسیده است. به طور کلی می‌توان گفت شهر اسلامی به پستوانه هویت اسلامی و نمادهای آن است که به این نام مطرح می‌شود؛ شهر اسلامی شهری متفاوت با شهرهای غیراسلامی است و مکانی شدن ایدئولوژی را نشان می‌دهد. اسلام در شهر نمود پیدا می‌کند و ظاهر می‌شود؛ اگرچه همیشه این نمودها و مظاهر اسلامی، با نقص‌ها و مشکلاتی در شهرهای اسلامی همراه شده است. درواقع گاهی شاید آن شهر بیانگر دینی نباشد که پسوند آن است. با وجود این، نباید منکر وجود سبک معماری و شهرسازی اسلامی در کشورهای اسلامی نظیر ایران، عراق، سوریه، لیبی، مصر و عربستان شد. معیارهای شهر اسلامی عبارت‌اند از:

- هویت توحیدی، هسته شهر اسلامی/است: این معیار از زیرمعیارهای وجود هویت عدل، تأسیس امت جهانی عدل، فرهنگ مشترک شهری، زندگی مردم تحت لوای اسلام، وجود جان شهر، یعنی جان توحید، وفای به حق مردم (دادن زکات) و وفای به حق خدا (اقامه نماز)، اقامه حدود و وجود حاکم شرعی شکل گرفته است.

- نظم، از معیارهای اساسی شهر اسلامی/است: این معیار از زیرمعیارهای وجود قانون، مطالبه عدالت اجتماعی، نبودن اسراف و تبذیر، امنیت و رفاه اقتصادی است.

- کالبد اسلامی، از معیارهای اساسی دیگر شهر اسلامی/است: این معیار از زیرمعیارهای وجود نقشه شهری، گسترش افقی ساختمان‌ها در شهر، بافت شهری مناسب، وجود بیت اسلامی، برپایی نماز جمعه، شعاع استاندارد شهر، وجود راه‌های اصلی و فرعی، لزوم رعایت حریم، حق الطریق، در نظر گرفتن فضای بیرونی برای خانه‌ها، آرامش شهر، وجود مرکزیت شهری و دسترسی به آن، ممنوعیت سد طریق، مطلوبیت سعه مسکن، استحباب وسعت مسکن، حریم پیاده‌روها، حومه عبادی شهر (سه مایل)، منع ساختمان‌های مرتفع، نگهداری برخی چهارپایان نظیر اسب، حرمت تعدی به راه مسلمانان و اعتبار حق عبور تشکیل یافته است (کلانتری و بخشی‌زاده، ۱۳۹۹؛ عنبری، ۱۳۹۵). همان‌طور که اشاره شد، معیارهای شهر اسلامی، طیف وسیعی را شامل می‌شوند که محور آن‌ها هویت توحیدی و دو معیار اصلی دیگر آن نظم و کالبد اسلامی در شهر اسلامی است.

درباره شهر تهران و شهر اسلامی، مطالعات بسیار متعددی در ایران انجام شده و چندین همایش نیز در این زمینه برگزار شده است. همچنین کتاب‌هایی با رویکرد توصیفی و اشاره به خصوصیات شهر تهران و شهر اسلامی به نگارش درآمده است. در این بخش به برخی از مطالعات پیشین اشاره می‌شود.

عنبری (۱۳۹۵) در «نمادشناسی هویتی شهری در ایران با تأکید بر شهر تهران، جستجوی زمینه‌های ایرانی-اسلامی» دریافت عرصه‌های قابل تأکید برای پیشگامی در نمادسازی شهری عبارت‌اند از: کالبد و سیمای شهر، هویت و اخلاق شهری، ایمنی و انتظام شهر و ... اقوامی‌قدم و حبیبی (۱۳۷۸) در مطالعه «شهر، شهرسازی و مدرنیسم در ایران (۱۲۹۹-۱۳۲۰)» به این نتیجه رسیدند که

تولد شهرساز بسیار متأخر از شهرسازی صورت گرفته است. شهرسازی به مفهوم اعم، قدمتی به اندازه ظهور اجتماعات انسانی دارد و گرایش به شهر در ابتدایی‌ترین صور خود در تمایل به ماندگاری در یک مکان تبلور می‌یابد. قاسمی و پوراحمد (۱۳۹۲) در مقاله «پیامدهای فضایی کالبدی چالش مدرنیته و مدرنیزاسیون در شهر تهران ۱۳۶۸-۱۳۸۸» نشان دادند نابرابری، ازهم‌گسیختگی، ناهمگونی فضایی و کالبدی تهران از مسائل اساسی این شهر است که طرح‌های توسعه و عمران شهری برای حل مسائل فوق تهیه شدند، اما مشکلات حل نشده باقی مانده‌اند.

شهر اسلامی اثر نجم‌الدین بemat از اولین آثار مرتبط با شهر اسلامی است که طبق اسناد کتابخانه ملی در ایران توسط سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۶۹ به چاپ رسید. این کتاب، در هجده بخش با نام‌های «جهت نگاه»، «آب‌وخاک»، «چهره شهر»، «مسجد و بازار»، «کاخ»، «خانه شخصی»، «خصوصیات شهر»، «شهری در اسلام»، «مکه یا پایان سفر»، «نور علی نور»، «مدینه»، «بیت‌المقدس»، «مسجد»، «باغ عدن و باغ‌های خوشبختی»، «توپکاپی»، «عالم مرگ» و «اسامی عکاسان» تدوین شده و در آن تصاویر بدیع و زیبایی از این شهرها درج شده است (حلیمی، ۱۳۹۵). هدف قبادی (۱۳۹۳) از مراجعه به نهج‌البلاغه و تفاسیر شیعیان و اهل سنت آن بود که ویژگی‌های شهر را در چهار بعد فرهنگی، اجتماعی، مدیریتی و کالبدی بازکاوی کند. تفاسیر به‌کاررفته عبارت‌اند از: علامه جعفری، آیت‌الله منتظری و شرح ابن ابی‌الحدید. او درنهایت ویژگی‌های شهر را چنین جمع‌بندی کرد: توجه به جایگاه شهروندی و پابندی به ارزش‌ها و کرامت اخلاقی شهروندان، و همراهی همه مردم و حکومت، اعلان و شفاف‌سازی مواضع حقوق و عدالت و اجرای درست آن. همچنین نشان داد در بعد کالبدی، آنچه شهر را می‌سازد ساختمان‌های عظیم و معابر نیستند، بلکه مردم روابط انسانی و اجتماعی را شکل می‌دهند و شهر را می‌سازند.

همچنین می‌توان به آثار نقی‌زاده با عنوان مبادی شهر اسلامی (ریشه‌ها، ویژگی‌ها و مصادیق) (۱۳۹۱) و شهر آرمانی اسلام یا فضای حیات طیبیه: بایسته‌های تحقق شهر اسلامی بر مبنای نصوص دینی (۱۳۹۰) در کنار آثار ایمانی جاجرمی با عنوان مقالاتی درباره شهر اسلامی (۱۳۹۳) و شهرهای اسلامی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (۱۳۹۳) نیز اشاره کرد.

درباره شهر تهران در دوره معاصر (دوره قاجار و دوره رضاشاه) از دیدگاه‌های شهرسازی و معماری و تا حدودی جغرافیایی مطالعات زیادی صورت گرفته است که در مقایسه با پژوهش‌های جامعه‌شناختی از فراوانی بسیاری برخوردار است. از جمله نکاتی که در این مطالعات بیشتر به آن‌ها پرداخته شده، بحث تقابل با مدرنیته، مسائل فراوان شهر تهران، نحوه تعریف شهر اسلامی و ابعاد مفهومی آن است.

با وجود مطالعات ذکرشده، نکته حائز اهمیتی که باید بیان کرد اینکه در این آثار، مطالعات جامعی از تغییرات اجتماعی شهر تهران، روند شکل‌گیری و تحول شهر تهران از بعد جامعه‌شناختی وجود ندارد؛ چنان‌که از لحاظ ابعاد مفهومی نیز عناصری از مؤلفه‌های شهر اسلامی نظیر مساجد و بازار در تهران مورد بررسی قرار گرفته، اما معیارهای شهر اسلامی به‌طور کامل در شهر تهران تبیین نشده است. در این پژوهش با محدودکردن مؤلفه‌های اساسی شهر اسلامی به تغییرات اجتماعی شهر تهران پرداخته می‌شود.

۳. روش‌شناسی پژوهش

روش این پژوهش کیفی و روش تاریخی در کنار اجرای روش هرمنوتیک تفسیری است؛ زیرا وجه غالب تحقیقات تاریخی، پاسخگویی به سؤالات چگونگی و چرایی تغییرات است. تغییرات اجتماعی شهر تهران، شامل تغییرات در افکار و کنش‌های انسانی یا پدیده‌ها و وقایع حاصل از تجلیات آگاهی و اراده نیروهای اجتماعی هستند. به این ترتیب تغییرات اجتماعی، واجد معنا دانسته می‌شوند و وظیفه محقق، کشف این معانی و توصیف آن‌ها است. از این‌رو، مباحث تاریخی تغییرات اجتماعی شهر تهران، با تفسیر هرمنوتیک گره می‌خورد تا به اهمیت وقایع اشاره شود. در اینجا کشف معنا عبارت است از: تعیین قدر و اهمیت یک واقعه یا پدیده و اینکه کدام وقایع

و کدام تسلسل وقایع در شهر تهران مهم‌اند یا واجد اهمیت هستند. موضوع اصلی در هرمنوتیک، طبق سبک دیلتای، نه شناخت متن و نه شناخت معنای متن، بلکه شناخت زندگی و حیات متبلور شده و ظهور یافته در متن است (حسنی، ۱۳۸۸)، یعنی شناخت تغییرات اجتماع شهری تهران در این پژوهش با لنز مؤلفه‌های نظم، کالبد اسلامی و هویت توحیدی.

سه گام عمده در هرمنوتیک تفسیری که به پدیدارشناسی تأویلی نیز نزدیک است، عبارت‌اند از: ۱. خوانش بومی^۱: محقق متن (متن و نوشته‌های اجتماعی مرتبط با دوره قاجار و دوره پهلوی اول) را مانند یک کل منسجم و به هم مرتبط می‌خواند تا با متن آشنا شود و به صورت‌بندی اندیشه‌ها درباره معنای آن متن برای تحلیل بیشتر بپردازد؛ ۲. تحلیل ساختاری^۲: این مرحله به شناسایی الگوهای اتصال معنادار اختصاص دارد و غالباً به آن مانند «خوانش تفسیری» ارجاع می‌شود؛ ۳. تفسیر کل^۳: این مرحله شامل تأمل درباره خوانش اولیه در امتداد با خوانش تفسیری است تا فهم جامع یافته‌ها از دوره تاریخی معاصر میسر شود (ریکور^۴، ۱۹۹۱ و ۱۹۷۶؛ لیندست و نوربرگ^۵، ۲۰۰۴). در این روش، نظریات در پیوستگی تحلیل بین توصیف و تفسیر در نظر گرفته می‌شوند (برندستون^۶ و همکاران، ۲۰۰۷). اگرچه برنامه‌های نرم‌افزاری می‌تواند در برخی زمینه‌ها نظیر کدگذاری مؤثر باشد، به نظر می‌رسد اطلاعات جمع‌آوری شده را می‌توان به صورت دستی و با چند تکنیک پذیرفته شده با استفاده از فرایندهای سیستماتیک تجزیه و تحلیل کرد. این درگیری محقق، روانی، احساسی و شهودی است (گرونوالد، ۲۰۰۴ به نقل از مینر رومانوف، ۲۰۱۲). در انتخاب اسناد و منابع کتابخانه‌ای صرفاً به آن منابعی که به تغییرات اجتماعی اشاره داشتند تا رسیدن به اشباع نظری (اضافه‌نشدن اطلاعات و مطالب جدید) رجوع شده است. مورد مطالعه در این پژوهش، شهر تهران است که در دوره‌های قاجار و پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۲۱) مورد مطالعه قرار گرفته است.

۴. یافته‌های پژوهش

در این بخش، ضمن اشاره به تغییرات اجتماعی دوره قاجار و پهلوی اول، از لنز مؤلفه‌های شهر اسلامی-ایرانی نیز این تغییرات مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته که به‌طور مشخص در ادامه بیان می‌شود.

۴-۱. تهران در دوره قاجار

تبیین آثار و تغییرات اجتماعی شهر تهران در مضامین دوره قاجار طبق سه گام عمده پدیدارشناسی تأویلی عبارت‌اند از: در خوانش بومی، محققان خوانش متون مرتبط با موضوع (آبراهامیان، ۱۳۹۵؛ احمد اشرف، ۱۳۵۹؛ آدمیت، ۱۳۶۲؛ آدمیت، ۱۳۹۲؛ اصیل، ۱۳۹۴؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳؛ برزین، ۱۳۷۳؛ بهریر، ۱۹۷۱؛ جان فوران، ۱۳۸۵؛ جان ملکوم، ۱۳۶۲؛ حبیبی، ۱۳۷۳؛ زیباکلام، ۱۳۷۷؛ شهیدی، ۱۳۸۳؛ سعید نیا، احمد، ۱۳۷۰؛ صارمی، ۱۳۷۶؛ عاقلی، ۱۳۶۹؛ عیسوی، ۱۹۷۱؛ فیرحی، ۱۳۸۲؛ قبادیان، ۱۳۸۵؛ قدیانی، ۱۳۸۴؛ الگار، ۱۳۶۹؛ مؤمنی، ۱۳۵۲؛ نفیسی، ۱۳۵۳) را تا حد اشباع نظری و محتوایی پیش برده‌اند تا به برخی مؤلفه‌ها برسند و از آن‌ها در بخش تحلیل ساختاری استفاده کنند.

1. naive reading
2. structure analysis
3. interpretation of the whole
4. Ricoeur
5. Lindseth & Norberg
6. Berndtsson

مبنای خوانش بومی در این تحقیق، عوامل و زمینه‌های تغییرات اجتماعی شهر تهران بوده است که بیشتر در چه حوزه‌های اجتماعی و توسط کدام نیروهای اجتماعی و عوامل ساختاری دیگر صورت گرفته است: برای تبیین تغییرات اجتماعی شهر تهران باید تاریخ را موشکافی کرد. باید از دوره قاجار و تاریخ پرنشیب مسائل سیاسی و اجتماعی آن شروع کرد. به زمینه‌های پایتخت‌شدن تهران اشاره و به دوره ناصرالدین‌شاه و صدارت امیرکبیر رسید و سپس به سپهسالار پرداخت. باید نشان داد که جامعه‌شناسی شهر تهران، با تغییرات اجتماعی و سیاسی (نظیر انقلاب مشروطه، جنبش تنباکو و...)، ارتباطات خارجی و دخالت‌های انگلیس و روسیه و در مرحله بعدی آمریکا پیوند خورده است. این اتفاقات سیاسی و اجتماعی منجر به تغییرات اجتماعی زیادی در شهر شده‌اند. افزایش مهاجرت، افزایش آگاهی، تحصیل در خارج، ورود امکانات و صنعت به شهر، ساخت‌وسازهای شهری و تحول معماری سنتی به سمت معماری مدرن و تعامل با آن، ایجاد فضاهای مدرن شهری نظیر سینما، پارک، فضاهای بازی، دانشگاه‌ها و مدارس جدید، نمادهای جدید شهری نظیر برج‌ها و ساختمان‌هایی با معماری سنتی-مدرن و... از مسائل و آثار اجتماعی تغییرات شهر تهران در طی این دوره تاریخی است. در تحلیل ساختاری شهر تهران در دوره قاجار دو بعد مطرح است: شروع توسعه شهر تهران و آثار اجتماعی شهر تهران. شروع توسعه شهر تهران: آغاز توسعه شهر تهران در دوره قاجار، خصوصاً از زمان محمدعلی شاه، با محوریت دولت در سایه دخالت‌های روس و انگلیس و برخی دیگر از کشورهای غربی پی گرفته می‌شود. در دوره ناصرالدین‌شاه، تأسیسات جدیدی که تا آن زمان سابقه نداشت ایجاد می‌شود. با این حال باید به فعالیت‌های صورت‌گرفته توسط برخی دولتمردان آن دوره نظیر امیرکبیر، میرزا حسین‌خان سپهسالار نیز اشاره کرد که اقدامات و زمینه‌های اصلاحی فراوانی را با وجود شرایط سیاسی وخیم آن زمان، در کشور به وقوع رساندند. اصلاحات امیرکبیر یک «انقلاب از بالا» بالاخص در شهر تهران بود؛ به‌طوری که حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تهران در آن مقطع به‌طور کامل متأثر از اصلاحات امیرکبیر بود. در ادامه، تداوم اصلاحات و پیشرفت شهری با پیگیری روند اصلاحات توسط میرزا حسین‌خان سپهسالار دنبال شد. در دوره قاجار، این تغییرات اجتماعی است که شهر را به سمت توسعه و تغییرات معماری سوق می‌دهد. درواقع، سیر تحول شهر تهران با انتخاب آن به‌عنوان پایتخت ایران شروع می‌شود. همچنین باید به انقلاب تنباکو و نقش نیروهای مذهبی در آن که منجر به تغییرات مهمی در شهر تهران و افزایش آگاهی شهروندان و کنش‌های هدفمند در آن‌ها شده اشاره داشت که زمینه را برای وقوع انقلاب مشروطه مهیا کردند تا اکثر اقشار جامعه شهری در آن دخیل شوند.

آثار اجتماعی شهر تهران: «آثار اجتماعی شهر تهران در این دوره شامل افزایش جمعیت، وقوع خشکسالی و فقر، سطح سواد پایین، طبیعت بکر و محیط غافلگیرکننده، کم‌آبی، نبود ارتباطات شهری، تقدیرگرایی مردم در زندگی روزمره، بی‌نظمی، ولخرجی و سستی، وجود فساد، رشوه و اختلاس، اقتصاد و بازار شهری منفعل و جدامانده از اقتصاد جهانی است.» شهری که از نظر ظرافت خانه‌ها، بازارها و باغ‌ها به‌هیچ‌وجه با شهرهایی نظیر شیراز قابل‌مقایسه نیست. با این حال، تهران در این مقطع، با وجود سیاست‌های خارجی ویرانگر (نظیر دو عهدنامه ننگین گلستان و ترکمانچای) شاهد انجام برخی تغییرات است. تهران مانند آینه‌ای از کل کشور، جامعه‌ای بسیار فقیر، عقب‌مانده و کم‌جمعیت، به‌لحاظ ارتباطات پراکنده و بی‌ارتباط و به‌لحاظ اجتماعی در تجارت، سیاست، روابط بین‌الملل، علم و فرهنگ منقطع، منفک و جامانده از مابقی جهان را به نمایش می‌گذارد. در این دوره، جامعه و پایتخت ایران، دچار مشکلات عدیده اجتماعی و فرهنگی پیچیده‌ای بود که دخالت‌های بیگانگان و مخصوصاً دخالت‌های مستقیم آن‌ها، بر پیچیدگی هرچه بیشتر آن‌ها می‌افزود. درواقع، نقش دو قدرت بزرگ خارجی (روس‌ها و انگلیسی‌ها) در تعیین روند حوادث تهران بسیار مؤثر بود.

با توجه به این تحلیل ساختاری شهر تهران در دوره قاجار می‌توان گفت مهم‌ترین عامل گسترش و توسعه شهر تهران، نیروهای اجتماعی و پیشروان توسعه در حکومت (نظیر امیرکبیر، میرزا حسین‌خان سپهسالار) بودند که توانستند با وجود دخالت‌های بیگانگان، از تجارب پیشرفت غرب استفاده کنند و شهر تهران را تا حدودی به گسترش و رشد برسانند.

در تفسیر کلی تغییرات اجتماعی شهر تهران باید گفت رشد جمعیت شهری تهران در طی دوره قاجار سه برابر شده و خشکسالی و فقر بحرانی در پایتخت مردم را درگیر کرده است. ساختار اجتماعی ساده و قابل تشخیص از یکدیگر اجتماع شهری تهران را تشکیل داده‌اند. در تهران، بناهای عمومی قابل دیدن، تقریباً هیچ یافت نمی‌شد و مساجد اندک موجود در تهران، به‌هیچ‌وجه قابل قیاس با مساجد اصفهان نبود. از لحاظ آموزشی، سطح سواد پایین و تعداد اندک مدارس سبب کم‌بودن شمار باسوادان جمعیت تهران شده بود. درواقع، تهران سرزمینی است که برای پرسه‌زدن خلق شده بود و در آن فضا بیکران بود و بی‌حدومرز. تفریح و گردش مردم در شهر بیشتر دورهمی و ملاقات در قهوه‌خانه‌ها، تئاتر و رفتن به طبیعت بود. زندگی روزمره مردم تهران در تقدیرگرایی، بی‌نظمی، ولخرجی و سستی، فساد، رشوه و اختلاس درگیر بود. تهران در عرصه اقتصادی، شهری حاشیه‌ای و عرضه‌کننده مواد خام بود. بازار تهران، مرکز تبادلات مالی و اقتصادی و مرکز طرح مباحث روزمره مردم بود.

از لحاظ نقش نیروهای اجتماعی در تحول شهر تهران، کانون اصلی اندیشه‌های اصلاح‌طلبانه، نخست در دستگاه دولت به‌وجود آمد و نوآوران اولیه از میان زمامداران و وزیران برخاستند که مسئولیت اداره کشور را برعهده داشتند؛ به‌طوری‌که زمینه‌های بیشترین نوآوری‌ها و اصلاحات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تا آن موقع، توسط امیرکبیر در شهر تهران فراهم شد.

با توجه به نقش مذهب در شهر تهران، نیروهای مذهبی در پیشبرد یا مقابله با اصلاحات در شهر تهران نقش اساسی داشتند؛ برای نمونه در نهضت تنباکو (که اولین رویارویی جدی میان حکومت و مردم در دوره قاجار و حاکی از افزایش آگاهی مردم شهر تهران بود) و انقلاب مشروطه (که حرکتی مردمی بود و اقشار مختلفی از توده‌های شهری تهران در آن دخالت داشتند) نقش علمای مذهبی ملموس‌تر بود.

در ارتباط با نقش عوامل خارجی در تغییر و تحول شهر ایران، ایرانیانی که با شروع قرن نوزدهم توانستند به خارج از ایران مسافرت کنند، بیشترین تأثیر را در شهر تهران برجای گذاشتند و فکر اصلاحات و اندیشه تغییر در جامعه و شهر را سبب شدند.

دروازه‌های شهر تهران، نماد تهران در دوره قاجار بودند. تغییر الگوی زندگی ساکنان و تأثیرپذیری از غرب هم‌زمان با مراودات بیشتر با کشورهای اروپایی، تحولات معماری ایرانی را رقم زدند. محله‌ها و میدان‌های شهر تهران که از محله‌های کوچک تشکیل شده و دارای کوچه‌ها تنگ، زاویه‌دار، بی‌نظم و بن‌بست بودند. نبود ارتباطات، شهر تهران را به نقطه‌ای جدا از ارتباطات جهانی تبدیل کرده بود.

گسترش سریع شهرنشینی را می‌توان یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین تغییرات اجتماعی در قرن ۱۹ دانست که تأثیرات عمیقی بر ساختار مناسبات تولیدی و اقتصادی ایران گذاشت.

با توجه به مطالب گفته‌شده می‌توان الگوی تغییرات اجتماعی شهر تهران در دوره قاجار را در قالب جدول ۱ نشان داد.

جدول ۱. الگوی تغییرات اجتماعی شهر تهران در دوره قاجار

سال شمسی	بزنگاه تاریخی	تغییر کالبدی	تغییر اجتماعی
۱۱۶۴	انتخاب به عنوان پایتخت	- تهران شاهد تغییرات کالبدی کمتر - انتقال بخشی از آثار معماری شیراز به تهران - ارگ، مهم ترین قسمت شهر تهران	- خواندن تهران به عنوان دارالخلافه، سرآغاز تغییرات اجتماعی و شکل گیری ساختارهای اجتماعی جدید در فضای سستی آن روزگار
۱۱۷۶-۱۲۱۳	دوره فتحعلی شاه	- ساخت مساجد، چاپارخانه، چاپخانه، حوزه های علمیه، باغ ها و عمارات در تهران	- حضور بیشتر علما و روحانیون و نفوذ آن ها در شهر تهران و پایتخت
۱۲۱۳-۱۲۲۷	دوره محمدشاه	- ساخت محله های مختلف، دروازه های شهری و گسترش شهر	- چاپ روزنامه و افزایش آگاهی مردم، تغییر در ساختار شهری و تغییر رفتار و کنش مردم در شهر
۱۲۲۸-۱۲۷۵	دوره ناصرالدین شاه	- ایجاد بناها و ساختمان های جدید شهری، شاهی از ترکیب معماری ایرانی با معماری غربی و اقتباس از آن - احداث بزرگراه های جدید بین شهرهای اصلی - توسعه بازار تهران، تأسیس دارالفنون، تأسیس مریض خانه دولتی، تأسیس صنایع جدید، پست و توسعه محله های جدید بخشی از تغییرات کالبدی - دایرشدن مدارس جدید و تقویت دارالفنون - ایجاد کارخانه های ضرب سکه، چراغ الکتریسیته، آسیاب بخار، چدن ریزی، اسلحه سازی و... در شهر	- آغاز تماس و گسترش بیشتر ارتباطات میان ایران و جهان و آثار و تبعات بسیار مهم اجتماعی ناشی از آن در شهر تهران - شکل گیری نسل اول متفکران، اندیشمندان و مصلحان اجتماعی در شهر تهران - تغییر اساسی در اجتماع و زندگی شهری در اثر آشنایی بیشتر مردم با مظاهر فرهنگ و تمدن غربی در شهر تهران - تشکیل شورای دولت، مجلس مصلحت خانه، مجمع فراموشخانه، ایجاد وزارتخانه های جدید بخشی از تغییرات اجتماعی شهر تهران - زمینه های وقوع بیشترین نوآوری ها و اصلاحات اجتماعی تا آن موقع، توسط امیرکبیر در شهر تهران - اجرای برخی اقدامات اصلاحی در چاره جویی برای قحطی، برنامه توسعه اقتصادی، نوسازی نظامی و بازسازی تشکیلات دولتی توسط میرزا حسین خان سپهسالار - قیام تنباکو، اولین رویارویی جدی میان حکومت و مردم در دوره قاجار - انقلاب مشروطه، قیام توده های شهری

۴-۲. تهران در دوره رضاشاه

خوانش بومی: در این بخش نیز بررسی منابع تا اشباع نظری و داده ای پیش رفته است (طبری، ۱۳۹۵؛ نجفقلی و معتضد، ۱۳۸۲؛ استوارت، ۱۳۷۰؛ استفانی، ۱۳۹۳؛ صفری و همکاران، ۱۳۹۳؛ کاتوزیان، ۱۳۷۴؛ کرونین، ۱۳۸۳؛ مدنی پور، ۱۳۸۱؛ حبیبی، ۱۳۶۸؛ آروی و همکاران، ۱۳۷۱؛ آبراهامیان، ۱۳۷۷؛ ۱۷۹؛ زیباکلام، ۱۳۸۳؛ الهی، ۱۳۸۲؛ زونیس، ۱۳۷۰؛ بهار، ۱۳۷۱؛ حسنی باقری شریف آباد، ۱۳۸۴؛ حبیبی و همکاران، ۱۳۸۹؛ نبوی، ۱۳۵۳؛ ۱۶۴؛ محرمی و مهربان، ۱۳۸۵؛ کریمیان، ۱۳۵۵؛ ملک زاده و علیزاده بیرجندی، ۱۳۹۰؛ بمانیان، ۱۳۸۵؛ پشتکوه، ۱۳۹۲؛ سعیدنیا، ۱۳۷۰؛ حبیبی، ۱۳۸۲؛ خلیلی خو، ۱۳۷۳؛ مشروح مذاکرات مجلس ملی، مجلس ششم، جلسه ۶۶، ۳۰ بهمن، ۱۳۰۵؛ بانک ملی ایران، ۱۳۳۸؛ صدیق، ۱۳۱۹؛ هدایت، ۱۳۶۳؛ نفیسی، ۱۳۴۴؛ محبوبی اردکانی، ۱۳۵۴؛ سلطانزاده، ۱۳۷۶؛ جعفری، ۱۳۷۱؛ مکی، ۱۳۷۴؛ نجفقلی و معتضد، ۱۳۸۲؛ آل احمد، ۱۳۵۷؛ عابدینی، ۱۳۶۶؛ امینی و شیرازی، ۱۳۸۵).

تغییرات اجتماعی شهر تهران در این دوره با حاکمیت رضاشاه وارد حساس ترین مقطع تاریخی می شود. جایی که نیروهای خارجی (غرب) بیشترین نقش را در حاکمیت جامعه اعمال می کنند و کودتای ۱۲۹۹ شکل می گیرد. در این دوره، تغییرات اجتماعی اساسی

نظیر تأسیس ارتش ملی، طرح جدید شهر تهران طرح توسعه شهر تهران، قانون تقسیمات کشوری، افزایش سریع جمعیت شهری و شهرنشینی، ایجاد سازمان‌ها و نهادهای مدرن (ظهور دیوان‌سالاری جدید)، سیستم آموزشی جدید، اجرای قانون بلدیه، معماری جدید شهر (تغییرات کالبدی)، تغییر سبک زندگی و کشف حجاب در اجتماع شهری تهران به وقوع می‌پیوندد و مردم با تغییرات و واکنش‌های اجتماعی جدید و ناشناخته‌ای مواجهه می‌شوند.

تحلیل ساختاری: بنیان‌گذاری ارتش و قوای جدید پلیس به منظور حفظ امنیت داخلی، ازمیان‌بردن هرگونه مخالفت با اراده شاه، ایجاد یک شبکه ارتباطی جدید، توسعه صنعتی به منظور کاهش وابستگی به تأمین‌کنندگان خارجی، و ازمیان‌بردن مداخله خارجی در امور داخلی کشور تا حد امکان (آروی و همکاران، ۱۳۷۱: ۲۵-۲۶) برخی از دستاوردهای رضاشاه در فاصله سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ است. با تثبیت دولت و امنیت عمومی در شهر تهران، دوره جدیدی در پایتخت آغاز شد. شروع حاکمیت رضاشاه بر تهران، با ازبین‌بردن بسیاری از ناآرامی‌ها و راهزنی‌ها در تهران همراه شد که مانع رشد شهرنشینی و توسعه شهرسازی شده بودند. وظیفه دولت در شهر تهران، دگرگون کردن شرایط زندگی و روابط اجتماعی به سمت نوسازی و مدرنیته به هر قیمتی بود. تحولات سریع اداری و صنعتی، چهره زندگی اجتماعی و سیمای کالبدی تهران را دگرگون کرد و تهران را از یک شهر سنتی محصور در حصار و خندق به شهری جدید با ساختاری مدرن مبدل ساخت. درواقع، تغییر چشمگیر ساختار اجتماعی و اقتصادی تهران، چالش‌ها و واکنش‌های اجتماعی سریعی در پی داشت.

در این مسیر با وجود میل رضاشاه به بریدن از انگلیس و روس، شهر تهران در منگنه‌رهایی‌ناپذیر فشارهایی قرار داشت که از سوی دو قدرت رقیب اعمال می‌شد و رضاشاه نمی‌توانست به حرف خود در نطقی که بعد از کودتا اشاره کرد پایبند باشد؛ اینکه حکومتی در تهران حاکم کند که بازیچه دست سیاسیون خارجی نباشد. عوامل خارجی در این دوره نیز بیشترین نقش خود را در تغییرات اجتماعی شهر تهران برجای گذاشتند.

کودتای ۱۲۹۹ سرآغاز تغییراتی جدید در پایتخت شد و مدیریت شهری آن را تحت تأثیر جدی نظامیان قرار داد. توسعه تهران و به‌ویژه ایجاد خیابان‌های جدید صرفاً با «دیکتاتوری پهلوی» امکان‌پذیر بود و با هیچ‌زر و زوری ممکن نبود. از این‌رو، اولین اقدام رضاشاه، تشکیل ارتش ملی ایران در تهران بود. در سال‌های آغازین سلطنت رضاشاه شاهد مداخله ارادی و شهرسازانه در محیط شهری، ناشی از تأثیر ایجاد بازار جهانی بودیم که ساخت شهری در آن، از طریق مداخلات دستگاه سیاسی صورت می‌پذیرفت و نه از طریق دگرگونی‌ها و جنبش‌های اجتماعی.

در مقوله معماری مسکونی ایران در دوره پهلوی اول به‌خاطر وسعت و ابعاد مختلف سکونت در تهران و به‌علاوه طبقات مختلف اجتماعی شکل‌گرفته، پراکندگی وسیعی در معماری شهری دیده می‌شود.

از مهم‌ترین مشخصه‌های این دوره در شهر تهران، ایجاد سازمان‌ها و نهادهای مدرن بود تا قادر باشند توسعه و ترقی را رقم بزنند. با تمرکز یافتن فعالیت‌های سیاسی، اداری و اقتصادی در تهران، شهر تهران به شکل جدیدی درآمد که نقش آن در پوشش‌دادن به کل کشور به دوچندان افزایش یافت. تأسیس دانشگاه تهران و اجرای سیستم جدید آموزشی، به ترویج تجدد شهری و شکل‌گیری سازمان و طبقه جدیدی در جامعه کمک کرد که روند شهرنشینی در تهران را تحت تأثیر خود قرار داد.

شکل‌گیری فضاها و بناهای نوظهوری مانند بانک، بیمارستان، پادگان، نظمیه، هتل، کارخانه و... و همچنین پهنه‌های اداری، نظامی، صنعتی و... هویت جدیدی برای تهران ایجاد کرد که دیگر هویتشان را نه با محله که با توجه به شغل اداری و سازمانی خود تعریف کنند.

در این دوران مطبوعات و مطالب چاپ شده تحت کنترل شدید دولت قرار گرفتند. بسیاری از روزنامه‌های مستقل تعطیل شدند و فقط روزنامه‌هایی که توجیه‌گر اقدامات و اهداف حکومت بودند، منتشر می‌شدند. در مقابل برخی نویسندگان شروع به انعکاس شرایط اجتماعی آن دوران در نوشته‌های خود کردند و آن را به صورت نوعی رخوت و سستی اجتماعی فراگیر در جامعه، عدم رابطه با مردم و التقاط فکری نشان دادند.

بزرگراه‌های تاریخی که در دوره رضاشاه در شهر تهران به عنوان پایتخت نمود پیدا کرده‌اند، عبارت‌اند از: کودتای ۱۲۹۹، تأسیس ارتش ملی، اجرای طرح جدید شهر تهران، اجرای قانون تقسیمات کشوری، اجرای سیاست‌های رشد شهرنشینی و جمعیت شهری، ایجاد سازمان‌ها و نهادهای مدرن (ظهور دیوانسالاری جدید)، ایجاد سیستم آموزشی جدید، اجرای قانون بلدی، شکل‌گیری معماری جدید شهر (تغییرات کالبدی) و تغییر سبک زندگی.

تفسیر کل: نوسازی در دوره رضاشاه، محدود به یک وجه از زندگی اجتماعی نبود، بلکه آثار آن در تمامی وجوه جامعه در زندگی شهری جلوه‌گر بود. دولت پهلوی اول، برای گسترش طرز تفکر و نحوه سلوک غربی در میان تمامی طبقات و گروه‌های اجتماعی، اصلاحات گسترده‌ای را در نظام آموزشی، قضایی و اقتصادی کشور صورت داد که اجرای سیستم دیوانسالاری اداری، تأسیس دانشگاه تهران، تدوین قانون مدنی و بلدی، اجرای سیستم مالیاتی و کشف حجاب اوج آن تغییرات بودند.

به بیان کاتوزیان (۱۳۷۴: ۱۴۵) می‌توان گفت که اصطلاح «شبه مدرنیست مطلقه» بیانگر ماهیت واقعی دولت پهلوی اول، در توسعه و پیشرفت شهر تهران بوده است. دولتی که وارث ضرورت تاریخی انجام نوسازی و اصلاحات طبق الگوی غربی است. در دوره رضاشاه (۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰) شهر تهران با نقش‌آفرینی خارجی‌ها، انجام کودتای ۱۲۹۹ و تأسیس ارتش ملی به روند تغییرات بنیادین و گسترش خود ادامه داد. با توجه به نظم و امنیت ایجاد شده در شهر که مورد تأیید همگان در آن مقطع بود، رضاشاه شروع به اجرای طرح جدید شهر تهران به عنوان نماد نوسازی و مدرنیته ایرانی کرد. اجرای طرح‌های توسعه و معماری جدید شهری، انجام تقسیمات کشوری شهرها، اجرای قانون بلدی، گسترش جمعیت شهری، ظهور دیوانسالاری جدید و تبلیغ سبک زندگی غربی اساس حاکمیت او بر شهر تهران و مدیریت آن بود.

ایجاد طبقات جدید شهری، ایجاد مشاغل جدید شهری، مدیریت جدید شهری (بلدی)، ایجاد محله‌های جدید، گسترش شهرنشینی (با فوج عظیم مهاجرت به تهران)، افزایش سطح سواد، ثبت اسناد و املاک، امور مالیاتی جدید، گسترش راه آهن و سیستم حمل و نقل هوایی از جمله تغییرات اجتماعی این دوره بود که با توجه به اجرای این تغییرات که به شیوه دیکتاتورمآبانه و از سطوح بالا به پایین صورت گرفته بود و زمینه اعلام نظر و مخالفت اجتماعی را به حداقل می‌رسانید، با واکنش اجتماعی برخی از نویسندگان، روزنامه‌نگاران و علما روبه‌رو می‌شد و آنان با برخی برنامه‌ها و طرح‌های موجود در شهر به مخالفت می‌پرداختند.

تهدیدستان شهری در مواجهه با فقر و طرد از بازار کار به مجموعه اقداماتی متوسل شدند که مهاجرت یکی از آن‌ها به شمار می‌رفت. الگوی مهاجرت آنان در گذشته به صورت گروهی و قومی بود (هاشمی، ازکیا و موسوی، ۱۴۰۱).

در آخر باید گفت این دوره نیز در شهر تهران، با دخالت و نفوذ خارجی‌ها و کارشکنی آن‌ها در توسعه و پیشرفت شهر روبه‌رو هستیم که این امر در انتها به تغییر حاکمیت شهر تهران منجر می‌شود.

با توجه به مطالب گفته شده، می‌توان الگوی تغییرات اجتماعی شهر تهران در دوره پهلوی اول را در قالب جدول ۲ نشان داد.

جدول ۲. الگوی تغییرات اجتماعی شهر تهران در دوره پهلوی اول

سال شمسی	بزنگاه تاریخی	تغییر کالبدی	تغییر اجتماعی
۱۳۰۴	شروع پادشاهی رضاشاه و تثبیت تهران به عنوان پایتخت	- ساختار سنتی اجتماع، مانع رشد شهرنشینی و توسعه شهرسازی در تهران - میدان توپخانه، تبلور تهران به صورت مرکز مدرن و جدید	- جنگ جهانی اول - جنبش‌های محلی و قحطی و ناامنی در تهران - وظیفه دولت جدید، نوسازی کشور به هر قیمتی - اداره پایتخت و مدیریت شهری آن تحت تأثیر جدی نظامیان
۱۳۰۹-۱۳۱۰	طرح توسعه شهر تهران	- تهران در میان حصار هشت‌ضلعی ناصری - تهیه نقشه‌ای مفصل برای گسترش و توسعه شهر تهران	- تحول پوشش شهرنشینی - فزونی مجدد جمعیت شهر تهران - اولین مداخله ارادی در یک مجموعه شهری در ایران - تدوین و تصویب قانون بلدی و قانون تعریض و توسعه معابر و خیابان‌ها - شکل‌گیری قدرت اجرایی و نظارتی جدید در شهر با قانون بلدی
۱۳۱۳	سیستم آموزشی جدید	- تأسیس دانشگاه تهران و بسیاری از مراکز آموزشی در شهر تهران، متأثر از معماری غربی - احداث مراکز آموزشی با الگوگیری از نظام آموزش غربی	- تحقق یافتن آموزش اجباری رایگان - آموزش رسمی (تحت یک نظام هماهنگ) زیر نظارت دولت
۱۳۱۴	کشف حجاب	- ایجاد مکان‌هایی برای حضور بیشتر زنان طبق سبک و فرهنگ غربی - تأسیس سازمان پرورش افکار	- توسعه شهرهایی رها از نفوذ روحانیان و از سوی دیگر دارای مؤسسات آموزشی به سبک اروپا، زنان متجدد و شاغل در بیرون از خانه - تقلید زنان به لحاظ آموزش، پوشش و فعالیت‌های اجتماعی از زنان غربی - غیرقانونی شدن پوشیدن چادر از سال ۱۳۱۵
۱۳۱۶	تهیه طرح جدید تهران	- بافت شطرنجی و جدایی عملکردهای شهری بنا بر یک منطقه‌بندی خشک - جایگیری عملکردهای شهری جدید در هسته کهن شهر - قرارگرفتن شکل جدیدی از فضای معماری در دستور کار	- تأثیرپذیری کامل شهر تهران از جریان جهانی مدرنیته - تجربه اولین توسعه شهر تهران در ورای باورهای قدیم - افزایش جمعیت تهران به حدود سه برابر (۷۰۰ هزار نفر) در فاصله زمانی ۱۵ سال - توزیع دانشگاه، بیمارستان پانصد تخت‌خوابی، ایستگاه راه‌آهن، کارخانه چیت‌سازی ری و... در شمال و جنوب شهر
۱۳۱۶	اصلاح قانون تقسیمات کشوری	- تقسیم ایران به ۱۰ استان، ۴۹ شهرستان و ۲۹۰ بخش - هر استان مرکب از چند بخش و هر بخش مرکب از چند دهستان و هر دهستان مرکب از چند قصبه و ده	- اثرات زیاد اجرای تقسیمات کشوری

سال شمسی	بزرگه تاریخی	تغییر کالبدی	تغییر اجتماعی
سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰	ظهیر دیوان سالاری جدید	- ظهور فعالیت ها و عملکردهای جدید شهری در تهران - تخریب ارگ قدیم و احداث وزارتخانه های جدید - تبدیل میدان مشق و میدان توپخانه به مرکز کاربری های اداری - استفاده عمده از معماران و شهرسازان بیگانه در طراحی و ساخت این بناهای عظیم شهری	- کاربست مفاهیم مدرن در ساختار شهری - شکل گیری علاقه وافر به معماری و شهرسازی مدرن - ایجاد سازمان ها و نهادهای مدرن برای رسیدن به توسعه و ترقی - تأثیرات زیاد تغییرات دیوان سالارانه بر سازمان اجتماعی شهر - شروع سریع تجدیدنای تهران از سال ۱۳۱۳ - متقبل شدن وظیفه اداری در کنار وظیفه های قبلی شهر تهران - ایجاد تغییرات زیربنایی در روش های سیستم اداری در ادارات - ایجاد ادارات جدیدی مانند دادگستری و راه آهن - به منصه ظهور رسیدن شکلی از بوروکراسی جدید شهری برای اولین بار در ایران با تأسیس مراکز قدرت اداری مانند وزارتخانه ها، سازمان های مرکزی، ادارات و بانک های متعدد

۴-۳. تطبیق شهر تهران با مؤلفه های شهر اسلامی

در ارتباط با تطابق شهر تهران با شهر اسلامی در دوره قاجار و پهلوی اول طبق یافته های جدول ۳ می توان گفت برخی از مضامین اصلی هسته های شهر اسلامی (هویت توحیدی، نظم و کالبد اسلامی) در شهر تهران قابل مشاهده است. اما در این مسیر و در راه توسعه و استقرار شهر تهران، شاهد مشکلات و مسائل اجتماعی مهمی بوده ایم که تغییرات شهر تهران را به بیشتر سمت معیارهای غربی سوق داده اند و معیارهای بومی و اسلامی تا حدودی نادیده گرفته شده اند. با این حال، می توان شهر تهران را «شهری اسلامی با مختصات مختص به خود» دانست که در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. تطابق شهر تهران با مؤلفه های هویت توحیدی شهر اسلامی در دوره قاجار و پهلوی اول

معیارهای شهر اسلامی	هسته	مضامین اصلی	دوره قاجار	دوره پهلوی اول
			وجود هویت محله ای پررنگ و کارا	شهر تهران هویتش را با هویت جدیدی که در دیوان سالاری جدید ریشه داشت، نشان می داد.
هویت توحیدی	هویت عدل و تأسیس شهر عدل	اصلاح محضر شرع، بنای دیوان خانه عدالت، رسیدگی به دادخواهی مردم علیه دولت، آئین جدید دادخواهی اقلیت مذهبی	تأسیس مدرسه دارالفنون در آغاز دوره ناصری، هم زمان که به ترویج تجدد شهری در میان مردم کمک می کردند، سبب شکل گیری سازمان و طبقه جدیدی در جامعه شدند.	قوانین جدید بر مبنای قوانین و نظام حقوقی غرب بود.
				تأسیس دانشگاه تهران و دیگر مراکز آموزشی، روند شهرنشینی در تهران را تحت تأثیر قرار داد.
				فرهنگ و معماری غرب مانند روحی خارجی وارد کالبد سنتی ایرانی و جایگزین روح ایرانی آن شد.
فرهنگ شهری	مشترک	در دوران قاجار اولین تغییر اساسی در فرهنگ ما حاصل می شود و هنرمندان ایرانی نوع دیگری از معماری و نقاشی و حتی موسیقی را تجربه می کنند.		

معیارهای شهر اسلامی	هسته	مضامین اصلی	دوره قاجار	دوره پهلوی اول
وجود جان شهر: زندگی مردم تحت لوای اسلام			اما این تغییرات چندان آگاهانه نیست و فضاها خبر از تأسیس سوژه مدرن نمی‌دهد.	
			تحولات دوره مشروطه و برخی خواسته‌های منتج از دین مردم (اسلام)، تأثیری مستقیم بر شیوه زندگی اهالی تهران به‌عنوان عناصر محتوایی شهر داشته است.	در این دوره مردم با محدودیت‌هایی در برگزاری مراسم مذهبی اسلام در زندگی روزمره مواجهه شدند.
			مردم در حرم امام‌زاده‌ها و تکایا به برگزاری مراسم مشغول بودند.	
			زکات که دریافت آن را علمای دینی برعهده داشتند و مالیات که دولت از مردم دریافت می‌داشت.	مالیات با شکل و ساختار جدیدی در جامعه شکل گرفت.
			اقامه قانون برعهده حکومت است.	با شکل‌گیری قانون، مراجع قضایی به اقامه حدود پرداختند.
			یکی از سنت‌های برجای‌مانده از عصر صفوی، انتخاب امام جمعه از طرف شاه بود. قاعده بر این قرار بود که پادشاه وقت، یک نفر را برای امامت جمعه در هر شهری و حتی در قصبات بزرگ جدا جدا تعیین کند.	در دوران پهلوی نیز نماز جمعه به همان سبک و سیاق دوره قاجار و صفویه ادامه یافت؛ هرچند که میزان اهمیتش به‌دلیل گرایش بیش‌ازحد پهلوی به غرب، بسیار کاهش پیدا کرد؛ بنابراین در این دوران چندان توجهی به برگزاری نماز جمعه در شهرها نمی‌شد. خصوصاً در کلان‌شهری مانند تهران این موضوع کاملاً آشکار بود.
			شهر تهران در ابتدای حاکمیت قاجارها، دارای اقتصاد جزیره‌ای جداافتاده از اقتصاد جهانی بود. با گسترش ارتباط با اروپا و غرب، رفته‌رفته با اقتصاد جهانی و بازار ارتباط برقرار کرد.	رشد شهرها و شکل‌گیری طبقات جدید در درون آن شهرها، شکل‌گیری واحدهای سیاسی یا دولت‌های مستقلی شد که خود را دارای حق حاکمیت می‌دانستند. برای این منظور لازم بود حاکمیت (دولت) دارای یک مرکزیت واحد باشد که بر تمام سرزمین خود کنترل و حکمرانی داشته باشد.
			شروع حاکمیت قاجارها در شهر تهران، مواجهه با انقلاب صنعتی و گسترش سرمایه‌داری بود که از یک سو شهر با ورود سرمایه‌گذاران غربی روبه‌رو شد و از طرف دیگر نیازمند سرمایه، تخصص و دانش فنی آن‌ها برای پیشرفت شهری بود.	ساختار اجتماعی تهران به‌سرعت تغییر کرد و الگوهای دیرپای زندگی از هم گسیخت.
			در مراحل اولیه انقلاب مشروطه و در جریان پیروزی متحصنان، بیشتر علمای بزرگ در تهران و مراجع بزرگ نجف از قیام مردم حمایت کردند.	با نفوذ و دخالت کشورهای بیگانه، حاکمیت شهر تهران تغییر کرد و حاکم جدید تعیین شد.
			حاکمیت ضعیف و نفوذ کشورهای بیگانه	حاکمیتی تحت نفوذ کشورهای غربی

طبق جدول ۳، مضامین اصلی «هویت توحیدی» در دوره قاجار و پهلوی اول عبارت بودند از: هویت عدل و تأسیس شهر عدل، فرهنگ مشترک شهری، وجود جان شهر: زندگی مردم تحت لوای اسلام، وفای به حق مردم، اقامه حدود، اقامه نماز و وجود حاکم شرعی.

جدول ۴. تطابق شهر تهران با مؤلفه نظم شهر اسلامی در دوره قاجار و پهلوی اول

معیارهای شهر اسلامی	هسته	مضامین اصلی	دوره قاجار	دوره پهلوی اول
نظم	وجود قانون	نظم	با تشکیل مجلس شورای ملی و تصویب قانون بلدیه، قدرت اجرایی و نظارتی جدیدی در شهر به وجود آمد که با تأثیر بر ابعاد محتوایی شهر، آن را از پیشینه تاریخی خود تهی کرد. شهری که مردم و فرهنگشان در گذشته مانده بودند و هویتی که کهن، اما کارا بود.	با شکل‌گیری سازمان‌هایی مانند بلدیه و نظمی که روابط تنگاتنگی نیز با یکدیگر داشتند، روابط و موقعیت مردم و حکومت سامانی نو یافت و طبقات اجتماعی نوینی ایجاد شدند.
			بی‌نظمی از مسائل اجتماعی شهر در آن دوره بود.	عدم انطباق ذهنیت شهر با عینیت و حکومت آن به وضعیت بی‌سابقه‌ای در شهرهای ایران به‌ویژه تهران منجر شد.
	مطالبه عدالت اجتماعی از سوی مردم	عدالت اجتماعی از سوی مردم	مردم در شهر، عدالت را در قالب مشروطه و انقلاب تنبako مطالبه کردند.	ظهور دیوان‌سالاری جدید به‌عنوان یکی از وجوه مهم شهرنشینی، سازمان اجتماعی شهر را بر مبنای تخصص و اشتغال شکل بخشید.
			وجود ولخرجی و سستی، فساد، رشوه و اختلاس	در سال ۱۳۰۶ وزارتخانه‌ای به نام وزارت عدلیه تشکیل شد.
	امنیت	امنیت	الگوی مصرف ساده و خودتولیدی	کاهش اسراف، رشوه و اختلاس
			از لحاظ نظم و امنیت عمومی مردم در شهر تهران با مشکلاتی مواجه بودند که یکی از اقدامات امیرکبیر، حل این موضوع بود.	الگوی مصرف نزد شهرنشینان تهرانی متحول و تملک کالاهای خارجی به یک ارزش اجتماعی تبدیل شد.
	رفاه اقتصادی	رفاه اقتصادی	جایگاه طبقات اجتماعی مشخص بود و طبقه بازاری با توجه به رشد تجارت و بازار و تعداد دکان‌ها و کاروانسراها، رشد چشمگیری داشت. اما اقتصاد ایران، جدا از اقتصاد جهانی و بسیار فقیر بود.	مسئولیت امنیت شهرها به قراولخانه‌ها سپرده شد. در محله‌های تهران، چهل قراولخانه ایجاد و در مجموع تدابیر امنیت تازه‌ای در کشور برقرار شد.
				برنامه گسترده‌ای را برای سامان‌داری و اقتصادی نظیر ساختار اقتصادی نوین با کارخانه‌های دولتی، شبکه‌های ارتباطی، بانک‌های نوین و... صورت گرفت.

طبق جدول ۴، مضامین اصلی «نظم» در دوره قاجار و پهلوی اول عبارت بودند از: وجود قانون، مطالبه عدالت اجتماعی از سوی

مردم،

نبودن اسراف و تبذیر، امنیت و رفاه اقتصادی.

جدول ۵. تطابق شهر تهران با مؤلفه کالبد شهر اسلامی در دوره قاجار و پهلوی اول

معیارهای شهر اسلامی	هسته	مضامین اصلی	دوره قاجار	دوره پهلوی اول
کالبد اسلامی		وجود نقشه شهری	از نخستین قوانین مرتبط با شهرسازی در ایران می‌توان از قانون بلدیه (۱۲۸۶) نام برد.	با تصویب «قانون بلدیه»، اولین طرح تهران تحت عنوان «نقشه خیابان‌ها» در ۱۳۰۹ به اجرا درآمد.
			نقشه سال ۱۲۷۵ دارالخلافه تهران	با به اجرا درآمدن این قوانین، تهران، شهر کوچک پایان قرن ۱۹، صفحه مداخلات شهری پیاپی و وسیعی شد.
			اولین قانون تقسیمات کشوری به نام «قانون تشکیلات ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام» در سال ۱۲۸۶ شمسی به تصویب رسید.	اولین قوانین تقسیمات کشوری دوره رضاشاه از سال ۱۳۰۹ آغاز شد.
منع ساختمان‌های مرتفع و گسترش ساختمان‌ها در شهر به حالت افقی		ممنوع ساختن‌های فرعی و اصلی، دامنه شهر شاه‌نشین قاجاری را به‌سوی شمال کشیدند و ساختن میدان‌ها که بخش‌های مهم شهر را از هم مشخص می‌کردند یکی از ویژگی‌های اساسی توسعه شهر در ایران شد. محله‌ها که از دیرباز در فرهنگ ایران و به‌ویژه تهران، به‌عنوان واحد شهری و با نقش هویتی و امنیتی حضور داشتند، با خیابان‌کشی‌های جدید از هم گسیخته شدند. درواقع معیار محله بیشتر اجتماعی بود تا جغرافیایی.	خیابان‌های فرعی و اصلی، دامنه شهر شاه‌نشین قاجاری را به‌سوی شمال کشیدند و ساختن میدان‌ها که بخش‌های مهم شهر را از هم مشخص می‌کردند یکی از ویژگی‌های اساسی توسعه شهر در ایران شد. محله‌ها که از دیرباز در فرهنگ ایران و به‌ویژه تهران، به‌عنوان واحد شهری و با نقش هویتی و امنیتی حضور داشتند، با خیابان‌کشی‌های جدید از هم گسیخته شدند. درواقع معیار محله بیشتر اجتماعی بود تا جغرافیایی.	سامان‌دهی تهران با الگوی خطوط راست که میراث قرن نوزدهم بود، مدل خوبی برای این کار شد. با بروز تغییرات ناشی از مدرنیته، محله‌هایی که تفاوتی از نظر سطح زندگی در میان ساکنان آن دیده نمی‌شد و همگونی میان شکل و محتوای آن برقرار بود، دچار شکاف طبقاتی شدند. حریم محلات از بین رفتند و محله‌ها نیز مانند خانه‌ها اندام‌های بیرونی پیدا کردند. با ساخته‌شدن محله‌های جدید (لاله‌زار و دولت) و جابه‌جایی اعیان‌ها در آن محله‌ها، این همگونی در عرصه شهر نیز برهم خورد.
				روند صنعتی‌شدن تهران همراه با رشد فزاینده ساخت‌وساز، لایه جدیدی به‌عنوان قشر کارگر به جامعه افزود که اغلب از مهاجران به تهران بودند. از عوارض ایجاد این طبقه اجتماعی، مطرح‌شدن بحث اسکان آن‌ها بود.
				جابه‌جایی طبقه متمول و جایگزینی این طبقه جدید فقیر در محله‌های قدیمی، اثر تشدیدکننده‌ای بر لایه‌بندی اجتماعی و فضایی شهر گذاشت و ایجاد شکاف میان شمال و جنوب تهران به‌طور آشکار آغاز و در دوره پهلوی اول ضمن سیاست‌های رضاخانی، شدیدتر شد.
وجود بیت اسلامی و برپایی نماز جمعه		محللات قدیمی و لایه‌بندی اجتماعی و فضایی یکنواخت شهری	در عهد قاجار فتح‌علی‌شاه مسجد شاه را در تهران بنا کرد و برپایی نماز جمعه را در آنجا بنیان نهاد.	در دوران پهلوی، امامان جمعه به‌ویژه در شهرهایی مانند تهران چون ارتباط رسمی با حکومت داشتند، غالباً از مقبولیت مردمی برخوردار نبودند و اقامه نماز جمعه نیز چندان رونق نداشت.
			وسعت شهر تهران پیش از پرکردن خندق رو به فزونی گذاشته بود و به‌ویژه از سوی شمال و مغرب بیشتر توسعه می‌یافت؛ چنان‌که به سال ۱۳۰۸ بیش از ۲۴ کیلومتر یعنی شش برابر تهران در زمان	تا سال ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳ این رقم ۱۱ مرتبه از تهران زمان فتح‌علی‌شاه و ۲/۵ مرتبه از تهران عهد ناصری بزرگ‌تر بود.

معیارهای شهر اسلامی	هسته	مضامین اصلی	دوره قاجار	دوره پهلوی اول
			فتحعلی شاه و شش کیلومتر مربع بزرگتر از زمان ناصرالدین شاه شد.	
	حق الطریق و وجود راه‌های اصلی و فرعی		تأسیس راه‌آهن ایجاد برخی راه‌های اصلی و میدان‌ها خیابان‌ها تنگ و باریک بود و مارپیچی از کوچه‌های پرپیچ‌وخم و غالباً سرپوشیده را تشکیل می‌داد.	گسترش راه‌آهن ایجاد خیابان‌ها و میدان‌ها ساخت محله‌های جدید با کوچه‌های عریض
	در نظر گرفتن فضای بیرونی برای خانه‌ها		خانه‌ها تقریباً همواره در یک سطح بود و شهر شامل مجموعه‌ای از خانه‌ها می‌شد که نمای بیرونی آن‌ها شکل فضای داخلی یا اهمیت آن‌ها را نشان نمی‌داد.	استفاده از مصالح و روش‌های ساختمان‌سازی جدید، رشد معماری و گسترش خانه‌های شهری بخش‌های مسکونی جدید با خانه‌هایی که یا کاملاً از نمونه سبک بین‌المللی پیروی می‌کردند و یا آنکه الگوی ساده‌شده و کوچک‌تری از خانه‌های قرن نوزدهم بودند به وجود آمدند
	وجود مرکزیت شهری و دسترسی به آن		مرکز شهر، سبزه‌میدان و میدان ارگ است.	در این دوره، مرکز شهر به میدان توپخانه انتقال پیدا کرد.
	آرامش شهر		تحولات شهری بیشتر بر تغییرات ظاهری متمرکز بودند و ساختار سنتی زندگی مردم همچنان پابرجا بود.	هدف تغییر محتوایی شیوه زندگی جامعه ایرانی و انطباق آن با الگوهای غربی و مقتضیات قرن بیستم با تکیه بر نیروهای برون‌زا بود.
	مطلوب‌بودن سعه مسکن		در دوره ناصری تغییرات معماری و شهرسازی در بین روشنفکران و نخبگان به صورت طبیعی اتفاق می‌افتاد. در هر محله‌ای یکی از رجال مملکتی سکنی داشت، خدمه و نزدیکانش در اطراف خانه او متمرکز بودند. محله اعیان‌نشین از فقیرنشین جدا نبود. اشراف و بزرگان قدیم مملکتی به‌طور پراکنده در محلات شهر در کنار مردم خانه داشتند.	در دوره پهلوی اول، از بین روشنفکران بدون اعتنا به معماری، درون خانه‌ها به بین توده مردم کشیده شد. اشراف و بزرگان مملکت به دلیل زیاد شدن وسیله نقلیه سواره و همچنین خیابان‌های دیگر نیازی به نزدیکی محله‌ای سکونت و کار نداشتند. در نتیجه این افراد به سمت شمال شهر مهاجرت کردند. مهاجرت و جابه‌جایی جمعیتی و فضایی محله‌های تهران را به محله‌های فرادستان و فرودستان (شمال و جنوب) اجتماعی تبدیل کرد. در مقوله معماری مسکونی ایران در دوره پهلوی اول به‌خاطر وسعت و ابعاد مختلف سکونت در ایران و به‌علاوه طبقات مختلف اجتماعی پراکندگی وسیعی را در نوع ساخت معمارانه می‌توان مشاهده کرد.

طبق جدول ۵، مضامین اصلی «کالبد شهر اسلامی» در دوره قاجار و پهلوی اول عبارت بودند از: وجود نقشه شهری، منع ساختمان‌های مرتفع و گسترش ساختمان‌ها در شهر به حالت افقی، بافت شهری مناسب، وجود بیت اسلامی و برپایی نماز جمعه، شعاع استاندارد شهر، حق الطریق و وجود راه‌های اصلی و فرعی، در نظر گرفتن فضای بیرونی برای خانه‌ها، مرکزیت شهری و دسترسی به آن، آرامش شهر و مطلوبیت سعه مسکن.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

از زمان ظهور اسلام، شهر به تبع شریعت اسلام، معنا و مفهوم خاصی پیدا کرد و ساختار نوینی در معماری و شهرسازی پدید آورد؛ به‌طوری‌که با تفاوت‌هایی موجب شکل‌گیری شهر اسلامی-عربی، شهر اسلامی-ایرانی، شهر اسلامی-مصری و... شد. از لحاظ بررسی علمی، شهر اسلامی، موضوع مهم و تازه‌ای است که در طی سال‌های اخیر و اوایل قرن بیستم در کشورهای غربی و برخی کشورهای اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است؛ درحالی‌که الگوی شهر اروپایی در دوران باستان، قرون وسطی، قرون جدید و معاصر آن کشورها با گستردگی مطالعه می‌شود و دارای تاریخچه‌ای طولانی در این زمینه است.

برخی از کارشناسان اروپایی معتقدند در سال‌های آینده مناسب‌ترین طرح برای بخش مرکزی شهرها همان طرحی است که از قرن‌ها پیش، بخشی از مرکز شهرهای اسلامی را رونق داده و سامان بخشیده است (شکوئی، ۱۳۸۳). با این حال باید اشاره کرد که مطابق مضامین هسته‌ای مستخرج از یافته‌های تحقیق، اسلام با شهر پیوند خورده است و در تبیین آن می‌توان گفت این به معنای آرمان‌شهربودن شهر اسلامی نیست. به این ترتیب ممکن است در کشورهای اسلامی با قطعه‌قطعه کردن بازارها و نمادهای دیگر، بدون در نظر گرفتن شرایط فرهنگی و حتی اقلیمی، عناصر مهم شهرهای اسلامی را تخریب کنند. به‌طور کلی شهر اسلامی، واقعیتی اجتماعی است که محقق، هم به دنبال تبیین کنش انسانی (اینکه کنشگران چرا و چگونه در شهر اسلامی دست به عمل می‌زنند) و هم تبیین آن به عنوان نهاد اجتماعی (علیت ساختاری) است.

برای تدوین سیاست‌های هویتی شهری در ایران دو فعالیت ضروری است، الف) تبیین شهر مطلوب و هویت‌مدار اسلامی-ایرانی؛ ب) تبیین شرایط و مصادیق شهر اسلامی-ایرانی (عبری، ۱۳۹۵). طبق نتایج تحقیق، شهر تهران در تطابق با شهر اسلامی در دوره قاجار و پهلوی اول شاهد تعدادی از معیارهای شهر اسلامی نظیر وجود هویت توحیدی، نظم و کالبد اسلامی (طبق جدول‌های ۳، ۴ و ۵) است، اما در راه توسعه و تغییر، بیشتر به سمت معیارهای غربی رفته و معیارهای اسلامی در آن تا حدودی نادیده گرفته شده است. تهران در دوره قاجار از لحاظ معیارهای شهر اسلامی، شاهد شکل‌گیری دیوان‌خانه عدالت و طلب عدالت از طرف مردم در قالب جنبش‌هایی نظیر جنبش تنباکو و انقلاب مشروطیت است. از لحاظ هویت شهری، دارای هویت مشترک در محله‌های قدیمی با لایه‌بندی اجتماعی و فضایی یکنواخت است. در این دوره، اولین تغییر اساسی در فرهنگ شهری در اثر رویارویی با معماری غربی شکل می‌گیرد. علمای مذهبی در شهر تهران، تأثیرات قابل‌توجهی در حاکمیت شهری دارند و در مراحل در جنبش‌های شهری شرکت دارند. مراسم و شعائر مذهبی نیز در شهر و تکایا و حرم امام‌زاده‌ها برگزار می‌شود. از ارکان شهر اسلامی وجود مسجد جامع و برگزاری نماز جمعه است که در زمان فتح‌علی‌شاه، مسجد شاه را در تهران بنا و نماز جمعه در آنجا برگزار می‌شود. در ارتباط با نظم شهری، شهر تهران شاهد مشکلات امنیتی بود و مردم با مسائل بسیاری از بی‌نظمی و فساد رودررو بودند که برای اصلاح آن نیز اقدامات اصلاحی نظیر اجرای قانون بلدیه، توسعه خیابان‌های فرعی و اصلی، اجرای راه‌آهن، اجرای نقشه شهری (نقشه دارالخلافه تهران)، تصویب قانون تشکیلات ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام از جانب دولتمردان انجام شده بود. از لحاظ اقتصاد شهری، تهران دارای اقتصاد ضعیف بود و با اقتصادهای جهانی تبادلی نداشت و تولید مردم در حد مصرف خودشان بود. در بعد حاکمیت شهری، حاکمیت قاجارها داری ضعف و تحت نفوذ عوامل خارجی بود و می‌توان گفت شهر تهران، حاکمیت مستقلی را تجربه نکرده است. با وجود این، تهران به گسترش خود ادامه داد و وسعت آن چند برابر شد. از لحاظ معماری و کالبد شهری نیز معماری اسلامی بومی موجود در ترکیب با معماری غربی به شکل‌گیری سبک تهرانی انجامید.

شهر تهران در دوره پهلوی اول از لحاظ معیارهای شهر اسلامی، شاهد تغییرات اساسی است. هویت شهری، با رشد عناصر مدرنیته، شکل و صورت جدیدی پیدا می‌کند. شهر از لحاظ قشر بندی و ترکیب محله‌ها متنوع‌تر و متمایزتر شد. آگاهی مردم با گسترش مراکز آموزشی، بیشتر شد و شاهد مهاجرت روزافزون به شهر تهران بودیم. قوانین جدید شهری بر مبنای قوانین و نظام حقوقی غرب بود و با شکل‌گیری قانون، وزارتخانه عدلیه تشکیل شد. همچنین دیوان‌سالاری جدید یکی از وجوه مهم شهرنشینی تهران شد. برای نظم شهری، سازمان‌هایی مانند بلدیه و نظمیة ایجاد شدند. مسئولیت امنیت شهرها به قراولخانه‌ها سپرده شد. با تصویب «قانون بلدیه» و «نقشه خیابان‌ها» شهر تهران به صحنه مداخلات شهری پیاپی و وسیع تبدیل شد. در برگزاری مراسم مذهبی در شهر، مردم با محدودیت‌هایی مواجه شدند. در دوران پهلوی نیز نماز جمعه برگزار می‌شد، اما از چندان رونقی برخوردار نبود. حکومت در شهر تهران، با موافقت و مخالفت برخی از علما همراه شد. در ارتباط با اقتصاد شهری، بانک‌ها شکل گرفت و مالیات با شکل و ساختار جدیدی اجرا شد. درواقع، حاکمیت برنامه گسترده‌ای برای سامان‌داری و اقتصادی انجام داد. از بعد حاکمیت شهری، حاکمیت (دولت) دارای یک مرکزیت واحد بود، اما باز هم شاهد نفوذ و دخالت کشورهای بیگانه در حاکمیت بودیم. در معماری شهری تهران، معماری غرب وارد کالبد سنتی ایرانی شد و ساختار اجتماعی تهران به سرعت تغییر یافت. درواقع، تغییر محتوایی شیوه زندگی جامعه شهری تهران و انطباق آن با الگوهای غربی در پیش گرفته شد. سامان‌دهی تهران با الگوی خطوط راست، در کالبد و معماری شهری صورت گرفت. در مقوله معماری مسکونی، پراکندگی وسیعی در نوع ساخت معمارانه مشاهده شد. از لحاظ وسعت شهری، وسعت شهر چندین مرتبه از تهران عهد ناصری بزرگ‌تر بود. در شهر تهران می‌توان گسترش راه‌آهن، ایجاد خیابان‌ها و میدان‌های زیاد با محله‌های جدید و کوچه‌های عریض را مشاهده کرد.

هاروی (۱۹۸۵) و کاستلز (۱۹۸۳) در قالب نظریه‌های اخیر شهرنشینی تأکید دارند که شهرنشینی، فرایندی مستقل نیست، بلکه باید در رابطه با الگوهای عمده دگرگونی سیاسی و اقتصادی تحلیل شود. نکته‌ای که در این پژوهش نیز بر آن تأکید می‌شود و اینکه تغییر و تحول شهر تهران به‌طور عمده در ارتباط با دگرگونی‌های عمده سیاسی و اقتصادی بوده است.

کاستلز (۱۹۸۳: ۱۰۳) به نقل از گیدنز، (۱۳۷۶) تأکید دارد برای شناخت شهرها باید فرایندهایی را که به‌وسیله آن‌ها شکل‌های فضایی ایجاد و دگرگون می‌شوند درک کرد. طرح‌ها و ویژگی‌های معماری شهرها و محله‌ها، مبارزات و ستیزهای گروه‌های مختلف جامعه را بیان می‌کنند. موضوعی که در ادامه گسترش شهر تهران و تحول محله‌ها و ایجاد مناطقی برای اقشار ثروتمند در شهر دیده می‌شود و رفته‌رفته تفاوت طبقاتی در شهر را ملموس‌تر درک می‌کنیم. این یعنی نمادهای سرمایه‌داری از اوایل شکل‌گیری شهر تهران و در ادامه توسعه آن در دوره پهلوی اول به‌طور آشکاری روبه‌رشد هستند. از این‌رو شهر تهران، شاهد توسعه در برخی از معیارهای شهر اسلامی (در معیار کلان کالبدی و نظم) و دورشدن از برخی معیارهای دیگر (در معیار کلان هویت توحیدی) در این دو دوره تاریخی بوده است.

مأخذ مقاله: تألیف مستقل. در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- آروی، پیترو، همبلی، گوین و ملویل، چارلز (۱۳۷۱). *سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت کمبریج*. ترجمه عباس مخبر. تهران: طرح نو.
- اشرف، احمد (۱۳۵۳). ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی. *نامه علوم اجتماعی*، ۱(۴)، ۷-۴۹.
- اشرف، احمد (۱۳۵۹). *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری*. تهران: زمینه.
- اقوامی قدم، عارف (۱۳۷۸). *شهر، شهرسازی و مدرنیسم در ایران ۱۲۹۹-۱۳۲۰ ه.ش. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران*. استاد راهنما: دکتر سید محسن حبیبی.
- ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۹۳). *مقالاتی درباره شهر اسلامی*. ترجمه و تألیف مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- بابائی سالانقوج، احسان، مسعود، محمد و محمدی، محمود (۱۳۹۳). تبیین یک چهارچوب مفهومی برای «شهر اسلامی». *روش‌شناسی علوم انسانی*، ۲۰(۸۰)، ۱۰۹-۱۴۰.
- باور، سیروس (۱۳۸۹). *نگاهی به پیدایی معماری نو در ایران*. تهران: فضا.
- بمات، نجم الدین (۱۳۹۳). *شهر اسلامی*. ترجمه محمدحسین حلیمی. تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه.
- بمانیان، محمدرضا (۱۳۸۵). عوامل مؤثر بر شکل‌گیری معماری و شهرسازی در دوره پهلوی اول. *مدرس هنر*، ۱(۱)، ۸-۱.
- پیران، پرویز (۱۳۸۴). *اندیشه ایرانشهر*. مهر، ۶، ۸-۲۲.
- حبیبی، سید محسن (۱۳۷۸). *فضاهای شهری، حیات واقعه‌ای و خاطره‌های جمعی*. مجله صفه، ۲۸.
- حبیبی، محسن (۱۳۶۸). *دولت و توسعه تهران ۱۳۰۴-۱۳۲۰*. مجله محیط‌شناسی، ۱۵(۱۵)، ۱۱-۲۲. <https://dor.isc.dor/20.1001.1.10258620.1368.15.15.2.2>
- حسنی، سید حمیدرضا (۱۳۸۸). *هرمونوتیک علوم انسانی «درآمدی بر هرمونوتیک و بلهلم دیتای»*. مجله معارف اسلامی، ۱(۱)، ۱۰۳-۱۲۰.
- دورکیم، امیل (۱۳۹۳). *قواعد روش جامعه‌شناسی*. ترجمه علی محمد کاردان. تهران: دانشگاه تهران.
- زیباکلام، صادق (۱۴۰۳). *تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، ۱۳۲۰-۱۳۲۲*. تهران: سمت.
- صفری، سهیلا، یوسفی‌فر، شهرام و شیخ‌نوری، محمدامیر (۱۳۹۳). اعتراضات مردم به نوسازی شهری در دوره پهلوی اول (مطالعه اسناد عرایض مجلس شورای ملی-مجلس ششم تا هشتم تقویم). *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، ۴(۷)، ۲۹-۶۰.
- عنبری، موسی (۱۳۹۵). *نمادشناسی هویتی شهری در ایران با تأکید بر شهر تهران*. تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۶). *زنانه‌شدن شهر با تأکید بر فضاهای شهر تهران*. تهران: علمی و فرهنگی.
- قاسمی، ایرج (۱۳۹۲). *پیامدهای فضایی کالبدی چالش مدرنیته و مدرنیزاسیون در شهر تهران ۱۳۶۸-۱۳۸۸*. رساله دکتری. دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران با راهنمایی دکتر احمد پوراحمد.
- قبادی، علیرضا (۱۳۹۳). *ویژگی‌های شهر از منظر نهج‌البلاغه*. تهران: مرکز چاپ نشر شهر. مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (بی‌تا). *جامعه و دولت در دوره رضاشاه*. روزنامه کارگزاران.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۷۴). *اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*. ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی. تهران: مرکز.
- کلانتری، عبدالحسین و بخشی‌زاده، حسن (۱۳۹۸). *تغییرات اجتماعی شهر تهران در دوره پهلوی اول*. توسعه محلی (روستایی-شهری)، ۱۱(۲)، ۴۰۹-۴۳۶. <https://doi.org/10.22059/jrd.2019.76754>
- کلانتری، عبدالحسین و بخشی‌زاده، حسن (۱۳۹۹). *معیارهای عدالت اجتماعی در شهر اسلامی*. فصلنامه علمی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ۱۰(۱)، ۹-۳۰. <https://doi.org/10.22059/jstmt.2020.295303.1325>
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشرنی.

مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران (۱۳۴۱). *سمینار بررسی مسائل اجتماعی شهر تهران ۱۳۴۱*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.

نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۰). *شهر آرمانی اسلام یا فضای حیات طیبه: بایسته‌های تحقق شهر اسلامی بر مبنای نصوص دینی*. تهران: سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، مؤسسه نشر شهر.

هاشمی، عبدالرسول، ازکیا، مصطفی و موسوی، سید یعقوب (۱۴۰۱). *مطالعه جامعه‌شناختی راهبردهای تهیدستان شهری برای بقا در شهر (مورد مطالعه: سرپرستان خانوارهای تهیدست شهر تهران)*. *توسعه محلی (روستایی-شهری)*، ۱۴ (۲)، ۵۱۱-۵۲۸.

<https://doi.org/10.22059/jrd.2023.346654.668749>

- Abu-Lughod, J. L. (1987). The Islamic City-Historic Myth, Islamic Essence, and Contemporary Relevance. *International Journal of Middle East Studies*, 19(2), 155-176. Cambridge University Press.
- Aghvami Ghadam, A. (1999). City, Urbanization and Modernism in Iran 1299-1320 AH. *Master's Thesis*, Faculty of Fine Arts, University of Tehran. Supervisor: Dr. Seyyed Mohsen Habibi. (In Persian)
- Anbari, M. (2016). *Symbolism of Urban Identity in Iran with Emphasis on the City of Tehran*. Tehran: City Studies and Planning Center. (In Persian)
- Arvey, P., Hambly, G., & Melville, C. (1992). *The Pahlavi Dynasty and Religious Forces in Relation to Cambridge*. Translated by: Abbas Mokhbar. Tehran: Tarh-e-No. (In Persian)
- Ashraf, A. (1973). Historical Features of Urbanization in Iran during the Islamic Period. *Social Sciences Journal*, 1(4), 7-49. (In Persian)
- Ashraf, A. (1979). *Historical Obstacles to the Growth of Capitalism*. Tehran: Zaman. (In Persian)
- Babaei Salanqouch, E., Masoud, M., & Mohammadi, M. (1994). Explaining a conceptual framework for the "Islamic city". *Methodology of the Humanities*, 20(80), 109-140. (In Persian)
- Bemanian, M. R. (2006). Factors affecting the formation of architecture and urban planning in the first Pahlavi period. *Art Teacher*, 1(1), 1-8. (In Persian)
- Bamat, N. (2014). *Islamic city*. Translated by: M. H. Halimi. Tehran: Publication Organization of the Endowment and Charity Affairs Organization. (In Persian)
- Bavar, S. (2010). *A look at the emergence of new architecture in Iran*. Tehran: Faza. (In Persian)
- Berndtsson I, Claesson S, Friberg F, Öhlen J (2007). Issues about thinking phenomenologically while doing phenomenology. *Journal of Phenomenological Psychology*, 38(2), 256-277.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006) Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Castelles, M. (1977). *The urban question*. Cambridge, the MIT Press.
- Durkheim, E. (2014). *Rules of Sociological Method*. Translator: A. M. Kardan. Tehran: Tehran University Press. (In Persian)
- Fazeli, N. (2017). *Feminization of the City with Emphasis on the Spaces of Tehran City*. Scientific and Cultural Publishing Company. (In Persian)
- Ghasemi, I. (2013). Physical Spatial Consequences of the Challenge of Modernity and Modernization in Tehran City 1368-1388. *PhD Thesis*, Faculty of Geography, University of Tehran, Supervised by Dr. Ahmad Poura Hamad. (In Persian)
- Ghobadi, A. R. (2014). *Characteristics of the City from the Perspective of Nahjul Balagha*. Tehran. City Printing and Publishing Center. Tehran: Tehran City Studies and Planning Center. (In Persian)
- Giddens, A. (1998). *Sociology*. Translated by: M. Sabouri. Tehran: Ney Publishing House. (In Persian)
- Habibi, M. (2009). Government and Development of Tehran 1921-1925. *Environmental Journal*, 15(15), 11-22. <https://dor.isc/dor/20.1001.1.10258620.1368.15.15.2.2> (In Persian)
- Habibi, S. M. (2000). Urban spaces, eventful life and collective memories. *Soffe Magazine*, 28. (In Persian)
- Harvey, D. (1985). *The urbanization of capital*. Oxford, UK: Blackwell.
- Harvey, D. (2003). The Right to the City. *International Journal of Urban and Regional Research*, 27(4), 939-941.

- Hashemi, A., Azkia, M., & Mousavi, S. Y. (2012). A Sociological Study of Urban Poverty Strategies for Survival in the City (Case Study: Heads of Poor Households in Tehran). *Local Development (Rural-Urban)*, 14(2), 511-528. <https://doi.org/10.22059/jrd.2023.346654.668749> (In Persian)
- Hassani, S. H. R. (2009). Hermeneutics of the Humanities: An Introduction to Wilhelm Dilthey's Hermeneutics. *Islamic Education Journal*, 1(1), 103-120. (In Persian)
- Imani Jajarami, Hossein (1994). *Articles on the Islamic City*. Translated and compiled by: Tehran City Studies and Planning Center. (In Persian)
- Institute of Social Studies and Research, University of Tehran (1969). *Seminar on the Study of Social Issues in Tehran, 1969*. Publications of the Institute of Social Studies and Research, University of Tehran. (In Persian)
- Kalantari, A., & Bakhshizadeh, H. (2019). Social Changes in Tehran City during the First Pahlavi Period. *Local Development (Rural-Urban)*, 11(2), 409-436. <https://doi.org/10.22059/jrd.2019.76754> (In Persian)
- Kalantari, A., & Bakhshizadeh, H. (2019). Criteria of Social Justice in the Islamic City. *Journal of Social Theories of Muslim Thinkers*, 10(1), 9-30. <https://doi.org/10.22059/jstmt.2020.295303.1325> (In Persian)
- Katouzian, M. A. H. (1995). *Iran's Political Economy from Constitutionalism to the End of the Pahlavi Dynasty*. Translated by: M. R. Nafissi & K. Azizi. Tehran: Markaz Publishing. (In Persian)
- Katouzian, M. A. H. (No date). *Society and Government during the Reza Shah Period*. Kargozaran Newspaper. (In Persian)
- Lindseth, A., & Norberg, A. (2004). A phenomenological hermeneutical method for researching lived experience. *Scandinavian Journal of Caring Sciences*, 18, 145-153.
- Miner-Romanoff, K. (2012). Interpretive and critical phenomenological crime studies: A model design. *The Qualitative Report*, 17(54), 1-32.
- Naghizadeh, M. (2011). *The Ideal City of Islam or the Space of Good Life: The Requirements for Realizing an Islamic City Based on Religious Texts*. Tehran: Tehran Municipality Cultural and Artistic Organization, City Publishing Institute. (In Persian)
- Piran, P. (2005). Iranshahr Thought. *Mehr*, Issue 6, winter. (In Persian)
- Ricoeur, P. (1976). *Interpretation theory, discourse and surplus of meaning*. Fort Worth: University of Texas Press.
- Ricoeur, P. (1991). *From Text to Action: Essays in Hermeneutics II*. London: Athlone.
- Safari, S., Yousefifar, Sh., & Sheikh Nouri, M. A. (2014). People's Protests against Urban Renovation in the First Pahlavi Period (Study of the Documents of the National Assembly's Petitions - the Sixth to the Eighth Legislative Assembly). *Social History Research*, 4(1), 29-60. (In Persian)
- Weber, M. (1958). *The City*. Don Martindale and Gertrud Neuwirth, editors and translators. Glencoe, 111. Free Press.
- Ziba Kalam, S. (2014). *Political and Social Developments of Iran, 1322-1320*. Tehran: Samt. (In Persian)